

بررسی تاریخ انقلاب اکتبر ، ساختمان سوسیالیسم در شوروی آنطور که بوده  
و نه آنطوری که امپریالیست ها جعل و تحریف کرده اند

( 2 )

توطئه بزرگ

مایکل سیرز- آلبرت کان

کتاب دوم : اسرار نوار قرنطینه

برگردان : ماکان

از انتشارات حزب کار ایران ( توفان )

بخش هشتم

جهاد سفید

### 3 - جنتلمنی از روال

در ماه ژوئن سال 1921 ، گروهی از افسران، صاحبان صنایع و اشراف سابق تزاری کنفرانس بین المللی بر ضد شوروی را در رایشن هاله در باواریای آلمان بر پا نمودند. کنفرانس مزبور که نمایندگان سازمانهای ضد شوروی سراسر اروپا را دور خود گرد آورده بود، نقشه یک مبارزه تبلیغاتی ضد شوروی در سطح جهان را طراحی نمود.  
یک " شورای عالی سلطنت طلبان " توسط کنفرانس مزبور برگزیده شد. نقش این شورا عبارت بود از فعالیت برای " احیای سیستم سلطنتی، به رهبری فرد ارشد قانونی خاندان رومانوف و در انطباق با قوانین اساسی امپراتوری روسیه " .

حزب نو خاسته ناسیونال سوسیالیست آلمان ( حزب نازی ) نیز فرستاده ای به این کنفرانس اعزام داشته بود. نام این فرستاده آلفرد روزنبرگ بود ... آلفرد روزنبرگ مردی جوان و رنگ پریده و استخوانی با لبهای نازک، موهای تیره و حالتی فرسوده و گرفته بود. از تابستان سال 1919 رفت و آمد به سانهای آجوجوری مونیخ را آغاز نموده بود. ( 1 ) وی معمولاً در آجوجوری آوگوستینر براو و یا فانتزیسکاتر براو یافت می شد. ساعتها به تنهایی سر میزی در گوشه ی سالن می نشست، گهگاه افرادی سر میز به وی می پیوستند و اگر چه با آنان به سردی برخورد میکرد ولی رفتارش شوری گرفته و چشمهای تیره اش حیات میافت و در صورت گج گونه اش میدرخشید.

وی سپس با صدایی ضعیف ولی پر شور به صحبت می پرداخت. آلمانی و روسی را با سهولتی یکسان صحبت میکرد.

روزنبرگ فرزند زمینداری از ناحیه بالتیک بود که زمانی از املاک وسیع در نزدیکی بندر تزاری روال برخوردار بود. پدرش ادعا میکرد که از اخلاف شوالیه های توتنی ( آلمان قدیم.م) است که در قرون وسطی به ایالت بالتیک تجاوز کرده بودند. روزنبرگ جوان با غرور تمام خود را یک آلمانی میدانست. وی قبل از انقلاب روسیه در پلی تکنیک مسکو در رشته معماری تحصیل میکرد. زمانی که بلشویکها قدرت را بدست گرفتند از خاک شوروی گریخته و به صفوف تروریستهای گارد سفید زیر فرماندهی ژانرال کنت رودیگرفون در گولتز، که در نواحی بالتیک می جنگیدند، پیوست. در سال 1919 روزنبرگ در مونیخ آقتابی شد، در آن حال افکارش از نظریات ضد دمکراتیک و ضد یهودی صدهای سیاه تزاری انباشته شده بود.

گروه کوچکی از مهاجران گارد سفید و بارونهای دارایی باخته بالتیک، برای شنیدن سخنرانی های خشن و سیه دلانه روزنبرگ بر علیه کمونیستها و یهودیها، گرد همآیی های مرتب را در مونیخ آغاز نمودند. این شنوندگان معمولاً مرکب بودند از پرنس آو الف- برمونت دوست سابق راسپوتین ( 2 ) و خشن ترین فرمانده گارد سفید که زیر فرمان فن درگولتز، در ناحیه بالتیک

فعالیت میکرد، با رون شنویبر- ریختر و آرنو فن شیکه دانتز دو اشرافی بیرحم و فاسد بالتیک و ایوان پولتا و تز لسترانیتزا، پاکرامیست اوکراینی که وزیر ارتباطات در دولت وابسته به آلمان هتمان سکورو پادسکی در اوکراین بود. این افراد با صدهای سیاه و روزنبرگ در مورد پوسیدگی دمرکراسی و نیز توطئه بین المللی یهودیان هم رای بودند. تم دائمی سخنرانیهای زهر آلود روزنبرگ این بود که " هر یهودی در باطن یک بلشویک است ! "

از ژرفنای ذهن تاریک و معذب روزنبرگ و کینه بیمارگونه وی نسبت به یهودیان و دشمنی دیوانه وار وی نسبت به شوروی های، به تدریج فلسفه جهانی ضد انقلاب شکل میگرفت، فلسفه ای که به تبلیغات تعصب آلود روسیه تزاری آغشته بود. روزنبرگ در " افسانه قرن بیستم " مینویسد :

" رهایی جهان از چنگال دمرکراسی و بلشویسم فاسد یهودی بایستی از طریق آلمان و ایجاد دولتی جدید در آلمان شروع گردد. و اضافه میکند :

" وظیفه بنیانگذار این دولت جدید ایجاد تشکیلاتی از افراد بر پایه خط مشی نظام توتنی است. نژاد ابر مردان آلمانی بایستی وظیفه تسخیر دنیا را دنبال کند ؛ تاریخ جهان مفهوم خود را در شمال یافته و سپس توسط نژادی چشم آبی و موبور که در چندین موج، چهره روحانی جهان را شکل داده اند، تولد یافته است . "

نظریه جهاد مقدس علیه روسیه شوروی در کلیه نوشته های روزنبرگ غالب بود. وی در رویای آن روز مقدسی بود که ارتشهای نیرومند " نظام توتنی " به داخل مرز های روسیه هجوم آورده و بلشویکهای " منفور " را داغان نمایند. وی اعلام میکرد که " جهت حرکت از باختر به خاور و از راین به ویش سل است. از باختر به خاور این عبارت بایستی از مسکو تا تومسک طنین انداز شود . "

آلمان در دوران بحران وحشتناک پس از جنگ بسر می برد، دوران بیکاری، تورم بیسابقه و گرسنگی توده ها. در پشت سر در جمهوری ویمار ( 3 ) که بدنبال سرکوب خونین شوراهای کارگران و سربازان آلمانی با تباری با سر فرماندهی نظامی آلمان تاسیس شده بود، گروهی دسیسه گر از میلیتاریستهای پروس به نام یونکرها به همراه سرمایه داران صنعتی مخفیانه به تدارک برای تولد و گسترش مجدد آلمان سلطنتی سرگرم بودند. برنامه تسلیح دو باره آلمان در آینده، دور از انظار جهانیان با دقت تمام توسط صدها مهندس طراح و تکنیسین ویژه، زیر نظر سر فرماندهی نظامی آلمان و در آزمایشگاه مخفی تحقیقات و برنامه ریزی که توسط کمپانی بورسیش در جنگلی در بیرون برلین ساخته شده بود، تنظیم می شد. از ظواهر امر چنین برمیآید که پس از جنگ، اداره اطلاعاتی نظامی آلمان بخش 3. ب منحل شده باشد، اما واقعیت چیز دیگری بود. اداره مزبور از طریق وجوه سرسام آوری که بوسیله کمپانی های کروپ هوگنبرگ و تیسن در اختیار آن گذاشته شده بود، تجدید سازمان یافته و با حدت بسیار، زیر سرپرستی رئیس سابق ضد یهودیش سرهنگ والتر نیکلای فعالیت میکرد .

نقشه یک جنگ جدید از جانب آلمان با کلیه جزئیات آن بطور موشکافانه ای آماده میشد ... یکی از مشارکین مالی عمده در مبارزه برای جوانسازی امپریالیسم آلمان، سرمایه دار صنعتی با نزاکت و پر انرژی به نام آرنولد رخببرگ بود. این آجودان شخصی سابق ولیعهد آلمان و دوست نزدیک اعضای سر فرماندهی نظامی سلطنتی آلمان، از سهامداران عمده تراست عظیم پتاسیم آلمان و یکی از مشوقین اصلی دارو دسته های مخفی ناسیونالیستی و ضد یهودی در آلمان بود. همین علایق او بود که وی را بسوی آلفرد روزنبرگ جلب کرد.

رخببرگ ترتیب ملاقاتی را با روزنبرگ داد و بیدرنگ علاقه شدیدی نسبت به این متعصب ضد انقلابی اهل روال پیدا کرد ؛ سپس او را به یکی دیگر از افراد تحت حمایت خویش سرچماقدار سی ساله اتریشی و جاسوس رایش ور به نام ادولف هیتلر معرفی نمود.

رخبرگ مدت‌ها بود وجوهی را برای خرید یونیفورم‌ها و سایر مخارج حزب نازی هیتلر اختصاص داده بود. اکنون وی و دوستان ثروتمندش امتیاز روزنامه گمنامی را به نام فولکیشر بنوباختر خریداری کرده و آنرا به جنبش نازی متعلق نمودند. این نشریه سپس ارگان رسمی حزب نازی گردید و هیتلر، آلفرد روزنبرگ را به سمت سر دبیری آن برگماشت.

در روز سال نو 1921، ده روز پس از آنکه فولکیشر بنوباختر به تملک نازی‌ها درآمد، مفاد اصلی سیاست خارجی حزب هیتلر در آن انتشار یافت: هنگامی که موقعیت لازم فرا رسد و طوفان مرزهای شرقی آلمان را فراگیرد، آن زمان، زمان گرد آوری صدها هزار مرد از جان گذشته است... آنان که اراده کرده اند در هر امری جسارت خود را به آزمون بگذارند بایستی در برابر واکنش یهودیان غربی آمادگی داشته باشند.... این‌ها فریادهای خصم آلود خود را به حمایت از یهودیان شرقی که مورد حمله قرار گرفته اند بلند خواهند کرد.... آنچه مسلم است این است که ارتش روسیه پس از یک تاننبرگ دوم از مرزهایش به عقب رانده خواهد شد. این امریست کاملاً مربوط به آلمان و به معنی آغاز تجدید بنای آن توسط ماست.

این سر مقاله توسط آلفرد روزنبرگ نوشته شده بود. اندک اندک نازیسم از آمیزش تزاریسیم فنودالی و امپریالیسم آلمان قرن بیستم، شکل میگرفت.

#### 4 - طرح هوفمان

آلفرد روزنبرگ طراح ایدئولوژی سیاسی حزب نازی بود. استراتژی نظامی آن اما از طرف دوست دیگر رخببرگ، ژنرال ماکس هوفمان تدوین میگردد. ژنرال ماکس هوفمان بیشتر دوران جوانی خود را به عنوان وابسته آلمان در دربار تزار گذرانیده بود. طوری که در آن هنگام روسی را روانتر از آلمانی صحبت میکرد. در سال 1905، بعنوان سروان سی و پنج ساله ای که به تازگی در ستاد ژنرال فون شلیفن استخدام شده و بعنوان افسر رابط با ارتش ژاپن در جنگ 1904-1905 بین روسیه و ژاپن خدمت میکرد. وی هرگز آنچه را در دشتهای منچوری مشاهده کرده بود از خاطر نبرد: " جبهه به نظر بی انتها میرسید. یک نیروی مهاجم فشرده و کاملاً تعلیم دیده، ارتش مدافع بسیار بزرگ تری را که دارای منابع عظیم ولی کیفیتی بی رمق و فرماندهی ناشی بود، چنان می شکافت که گویی کاردی قالب پنیری را بشکافد."

در آغاز نخستین جنگ جهانی، هوفمان رهبر عملیاتی سپاه هشتم آلمان مستقر در شرق پروس گردید تا در برابر ضربه ای پیش بینی شده از جانب روسیه، بایستد. اما استراتژی که اضمحلال ارتش تزاری در تاننبرگ را به همراه آورد، توسط مقامات نظامی نه به هیندنبورگ و لودندورف (ژنرالهای معروف آلمان به هنگام نخستین جنگ جهانی. م) بلکه به هوفمان نسبت داده شد. پس از تاننبرگ، هوفمان فرمانده قوای آلمان در جبهه شرق گردید. وی شاهد سقوط ارتش سلطنتی تزار بود. در پرست لیتوفسک او بود که شرایط صلح آلمان را به فرستادگان دولت شوروی دیکته نمود....

هوفمان ارتش روسیه را در دو جنگ، به هنگام عمل دیده بود و در هر نوبت شاهد شکست وحشتناک آن بود. به عقیده وی ارتش سرخ همان ارتش قدیم روسیه بود که " به یک گروه لات استحاله شده است."

در آغاز بهار 1919، ژنرال ماکس هوفمان، با نقشه ای از پیش ساخته برای پیشروی به سوی مسکو با قوای آلمان در راس، در کنفرانس صلح پاریس حضور یافت. این نقشه از نظر خود هوفمان دارای دو حسن بود: نه تنها " اروپا را از جنگ بلشویسم میرهانید " بلکه به موازات

آن ارتش امپراتوری آلمان را نجات بخشیده و از تجزیه آن جلوگیری می نمود. یک نسخه ی از طرح هوفمان که تغییراتی در آن داده شده بود، مورد تایید مارشال فوش قرار گرفت. در روز 23 نوامبر 1919، ژنرال هوفمان طی مصاحبه ای با روزنامه دیلی تلگراف اظهار داشت :

" در طی دو سال گذشته من به تدریج به این نتیجه رسیده ام که بلشویسم بزرگترین خطری است که طی قرن‌ها، اروپا را مورد تهدید قرار داده است ... "

وی در خاطرات خود تحت عنوان " جنگ موقعیت های از دست رفته " از قصور جهانیان نسبت به امر پیشروی به سمت مسکو طبق طرح اصلی نقشه ی وی، تاسف می خورد. سفیر کبیر انگلیس لرد د برنون پس از ملاقاتی با هوفمان در برلین سال 1923، در دفتر یادداشت‌های سیاسی خود نوشت :

تمام اعتقادات این شخص تابع این تصور کلی است که هیچ امری در جهان به خوبی پیش نخواهد رفت مگر این که قدرتهای متمدن غرب متحد شده و دولت شوروی را بدار بیاویزند ... از او پرسیدم چنانچه احتمال اتحادی بین فرانسه، آلمان و انگلیس را برای حمله به روسیه پیش بینی میکند، جواب داد : " ضرورت چنین اتحادی را ایجاب میکند و این باید حتما عملی گردد! " در سالهای پس از جنگ، بدنبال شکست تجاوز نظامی علیه شوروی، هوفمان نسخه ی جدیدی از نقشه ی خود را تهیه و بصورت یادداشتی محرمانه، در ستادهای فرماندهی کشورهای اروپا توزیع نمود. یادداشت مزبور بسرعت علاقه ی مجامع در حال رشد طرفدار فاشیسم اروپا را به خود جلب نمود. مارشال فوش و فرمانده ستاد وی پتن که هر دو دوستان نزدیک هوفمان بودند، از طرح جدید بگرمی استقبال نمودند. شخصیت‌های دیگری که طرح مزبور را تایید کردند عبارت بودند از فرانس فن پاین، ژنرال بارون کارل فون منراهیم، دریا سالار هورثی و رئیس سازمان اطلاعات دریایی انگلیس، دریا سالار سربری دامویل .

نقشه هوفمان در آخرین نسخه هایش، پشتیبانی بخش بزرگ و قدرتمند سرفرماندهی نظامی آلمان را کسب کرد، علیرغم آن که چرخش قابل توجه ای نسبت به مکتب سنتی استراتژی نظامی و سیاسی بیسمارکی آلمان بشمار میرفت ( 4 ). طرح جدید هوفمان اتحادی با فرانسه، ایتالیا، انگلستان و لهستان را بر اساس خواستی مشترک که همانا مخالفت با روسیه شوروی بود، پیشنهاد میکرد. به گفته مفسر فرزانه امور اروپایی، ارنست هنری در کتابش " هیتلر بر فراز روسیه " ، نقشه هوفمان بر این پایه بود :

تمرکز ارتش های جدید در ویستولا و دوینا به اسلوب ناپلئون ؛ پیشروی برق آسا، تحت رهبری آلمان، به سوی دسته های در حال عقب نشینی بلشویک ؛ اشغال لنینگراد و مسکو در عرض چند هفته ؛ پاکسازی نهایی کشور تانواچی اورال و به این ترتیب رهایی یک تمدن بی رمق از ارواح خبیثه، از طریق اشغال نیمی از قاره .

تمامی قاره اروپا میرفت زیر رهبری آلمان بسیج شده و یورش بر علیه اتحاد شوروی را سامان دهد .

\* \* \* \* \*

## توضیحات :

( 1 ) : آبخووری در آلمان، از لحاظ اجتماعی، حالتی شبیه قهوه خانه ها در ایران را دارند و محل اجتماع و تماس برای افراد گوناگون به شمار میروند. در این جا از آبخووری های مونیخ از این نظر یاد شده که نطفه تشکیلات فاشیستی آلمان در آنها شکل گرفته است - مترجم .

( 2 ) : راسپتین : کشیش بدکاره دربار تزار که خود تزار و همسر و اطرافیانش را بطرزی عمیق تحت نفوذ داشت - مترجم .

(3) : جمهوری ویمار: رژیم سیاسی آلمان از سال 1919 تا 1933 یعنی تا قبل از برپایی رژیم نازی ها و صدر اعظمی هیتلر ، آخرین رئیس این دولت مارشال هیندنبورگ بود - مترجم .

(4) : در ابتدا ژنرال هانس فن سیکت فرمانده رایش ور آلمان ، با نقشه هوفمان مخالفت میکرد . سیکت در رویای جنگی انتقام جویانه با غرب بود . وی آرزو میکرد که در طی این جنگ بتواند از مواد خام و نیروی انسانی روسیه استفاده کند و اعتقاد داشت که میتواند با عناصر اپوزیسیون در درون ارتش سرخ و دولت شوروی به توافقیایی برسد . بعدها سیکت از نقشه هوفمان پشتیبانی کرد و خود نیز به نازی ها گروید .

#### منابع بخش هشتم :

عبارت " سرانجام متلاطم " که توسط نگارندگان برای عنوان قسمت اول این بخش بکار رفته از وینستون چرچیل بعاریت گرفته شده است . مطالبی که فضای نا مطمئن ، آشفته و نا امن دوره پس از جنگ ( نخست ) را ترسیم میکند از مجموعه ای از بریده های جراید و تفسیر آن زمان آنهاست که توسط جرج سلدیس تحت عنوان پانورامای جهان 1935-1918 چاپ نیویورک ، 1935 ، تدوین شده است . نویسندگان همچنین به روزنامه ها و مجلات زمان رویدادها رجوع نموده اند . یاد داشت روشنگرانه اداره امور خارجه انگلیس که در این بخش آورده شده است نخستین بار توسط روزنامه نگار و نمایشنامه نویس جان ال . بالدرستون رو گشته و سپس با جزئیات بیشتری در کتاب سلدیس آورده شده است . مطالب در مورد سرگذشت شگفت آور و نا شناخته مهاجرت ارتش های شکست خورده سفید روسیه را می توان در کتاب جرج استوارت به نام " ارتش های سفید " چاپ نیویورک 1933 ، و نیز در خاطرات بعضی افراد درگیر ماجرا چون ورائگل ، دنیکن ، کراسنف و غیره یافت .

ماجرای کامل تورگ پرام ، تشکیلات ، کیفیت و ترکیب آن در کتاب " ویرانگران در دادگاه ، سند محاکمه حزبی صنعتی منعقد در مسکو ، نوامبر- دسامبر 1930 " چاپ نیویورک 1931 ، آورده شده است . جالب ترین و کامل ترین شرح توسعه اولیه ایدئولوژی نازی و نقش آلفرد روزنبرگ و شرکای سفید روسی وی در کتاب " رهبر " اثر کنراد هیدن چاپ بوستن 1944 ، یافت میشود . نویسندگان همچنین از کتاب دیگر هیدن ، " تاریخ ناسیونال سوسیالیسم " چاپ نیویورک 1935 و مدارک منتشره از طرف وزارت امور خارجه امریکا بنام ناسیونال سوسیالیسم چاپ واشنگتن 1943 ، سود برده اند . نقشی که توسط ژنرال ماکس هوفمان در توطئه های سفید های روسی و امپریالیسم آلمان قبل از پیروزی نازیسم و در خدمت پیروزی آن داشت در کتاب " هیتلر بر فراز روسیه " اثر ارنست هنری چاپ نیویورک 1936 ، بطور درخشانی تصویر شده است . نگارندگان همچنین به کتابهای زیر مراجعه داشته اند :

\* " جنگ موقعیتهای " اثر هوفمان چاپ نیویورک 1925

\* " خاطرات روزانه جنگ و سایر مقالات " چاپ لندن ، 1929

\* خاطرات معروف سیاسی سفیر کبیر لرد دبرتون " خاطرات روزانه یک سفیر کبیر " ورسای

تاراپالو ، 1922-1920 چاپ نیویورک ، 1929

مطالب گران بهای دیگر در مورد همکاری نازیسم اولیه و مهاجرین سفید روسی را می توان در کتاب " شبکه قهوه ای چاپ نیویورک ، 1936 ، یافت .

